

منوچهر جمالی

حقیقت ، لنگ است

من، لنگان لنگان میاندیشم
 واندیشیدنم ، لنگیدنست
 ولی تجربیات و احساسات و پیشآمدهای انگیزنده زندگی
 بسیار تند پایند
 هر بار که این تجربیات و احساسات و پیشآمدها
 در افقم پدیدار شدند
 مرا ، افسون خود میکنند
 و دیوانه وار، در پی آنها میدوم
 ولی در لنگی ام
 همیشه از آنها عقب میافتم
 و با آنکه آنها را گم میکنم
 دست از دویدن برنمیذارم
 و هرچه آنها دورتر شدند
 نومیدتر میشوم
 و ناچار به سنگها و خارهای کنار راه نظر میاندازم
 خشمگین و نومید و خسته
 از دویدن بیهوده
 در پی آن تیزگامان
 بسوی « آنچه دارم و هستم و ماندنی» است
 باز میگردم

و به آنچه دارم وهستم و باورهای ابدیم
 فخر میکنم
 و این برترین تسلیت منست
 که ماندنیها و واقعیت ها و آنچه وجود دارند
 در انتظار بازگشتم هستند

لنگی من ،
 ازماندیها و واقعیت ها و باورها
 حقیقتم را ساخته است
 و برایم ، « شیوه راهروی حقیقی » ،
 لنگیدنست
 و آنکه نمی لگند
 دروغگو و دشمن حقیقت است